

تأملی بر عقب‌ماندگی ما

نگاهی به کتاب

«دباجه‌ای بر نظریه انحطاط ایران»

نوشته‌ی دکتر جواد طباطبایی

حسن قاضی‌مرادی



نشر دات

سرشناسه	قاضی مرادی، حسن، ۱۳۳۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: تأملی بر عقب ماندگی ما / نوشته حسن قاضی مرادی.
مشخصات نشر	: تهران: دات، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ص. ۲۴۸
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۹۸-۱۸۷
فهرست نویسی	: قیفا.
یادداشت	: کتاب حاضر نقدی بر کتاب 'دییاجهای بر نظریه انحطاط ایران' جلد نخست تأملی درباره ایران تألیف جواد طباطبایی است.
یادداشت	: چاپ قبلی اختراش
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیر نویس
عنوان دیگر	: تأملی درباره ایران
عنوان دیگر	: دییاجهای بر نظریه انحطاط ایران
موضوع	: طباطبایی، جواد ۱۳۳۲ - دییاجهای بر نظریه انحطاط ایران - نقد و تفسیر
موضوع	: علوم سیاسی - ایران.
موضوع	: جامعه شناسی - ایران.
موضوع	: ایران - تاریخ - صفویان، ۹۰۷-۱۱۲۸ ق.
موضوع	: ایران - تاریخ - قاجاریان، ۱۱۹۲-۱۳۳۲ ق.
شناسه افزودن	: طباطبایی، جواد ۱۳۳۲ - دییاجهای بر نظریه انحطاط ایران - شرح.
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ / ۱۲۰۸۲ تا ۹ الف / ۸۳ / ۴
رده بندی دیویی	: ۳۲۰ / ۵۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۳۷۲۹



نشر دات

تأملی بر عقب ماندگی ما

نگاهی به کتاب «دییاجهای بر نظریه انحطاط ایران»

نویسنده: حسن قاضی مرادی

hasan.ghazimoradi@yahoo.com

طرح جلد: ابراهیم حقیقی

شماره نشر: ۴۸

نوبت چاپ: پنجم (اول ماهی) ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

چاپ منصور - صحافی بهمن

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۹۸-۱۸-۷

تلفکس انتشارات: ۶۶۴۸۳۰۷۴

http://www.dotbook.ir

Email: info@dotbook.ir

کلیه حقوق نشر محفوظ است

بها: ۷۵۰۰ تومان

فهرست

۷	مقدمه
۱۱	پیش‌گفتار
۱۵	فصل اول: تداوم سنت در مسیری دیگر
۹۶	یادداشت ۱: نقض «وحدت» در تحمیل «یکسانی»
۱۱۰	یادداشت ۲: قدرت مطلقه - قدرت خودکامانه
۱۱۹	فصل دوم: مؤلفه‌های طرح نظریه‌ی انحطاط ایران
	- شش مؤلفه‌ی انحطاط
	- و... سخن آخر
۱۷۷	پیوست ۱: شاه عباس اول مستبد خیرخواه
۲۰۷	پیوست ۲: تاریخ بی‌تاریخ ما
	- هویت تاریخی ما
	- ویژگی‌های تاریخ‌نویسی دوره‌ی گذار
	- مرحله‌بندی تاریخ‌نویسی بعد از اسلام

مقدمه

بر موضوع انحطاط و عقب ماندگی ایران، به واسطه‌ی فقدان یأس انگیز تحقیقات روشنگر، هیچ پرستی نیست که پاسخ نسبتاً جامعی بیاورد. درست همین فقدان پاسخ جامع است که از جمله، به عقب ماندگی ما تداوم می‌بخشد. پس در این سنگناهی عقب ماندگی و جهل نسبت به آن، هر اثری که به پرستی در این زمینه پرتوی اندازد، و هر تغییری که پاسخی کارآمد را تدارک ببیند، به خودی خود، ارزشمند است و حمایتی تقدیر و باید به استقبال اش شتافت. به‌ویژه که این تلاش و پرتوافکشی از سوی اندیشمندی باشد که سالیان دراز را صرف پژوهش درباره‌ی انحطاط ایران کرده و آخرین دستاورد او در این کوشش پی‌گیر، کتاب «دیباجه‌ای بر نظریه انحطاط ایران» است؛ جلد نخست از کتاب سه جلدی «تأملی درباره ایران».

دکتر جواد طباطبایی در این اثر از دغدغه‌ای سخن می‌گوید که اکنون به اعتبار آثاری که در چند سال اخیر انتشار یافته می‌روند تا به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های پژوهشی جمعی از روشنفکران ما تبدیل شده است. این که روشنفکر ایرانی ناگزیر است پیوسته با انحطاط و عقب ماندگی مان روبرو می‌شده و در قدم اول بکوشد به علل و اسباب آن آگاهی یابد. و جز این، کتاب «دیباجه‌ای بر نظریه انحطاط ایران» عمدتاً به شرایط ایران در دوره‌ی تاریخی از صفویان تا قاجاریان می‌پردازد. و به نظر می‌رسد اگر بخواهیم موقعیت معاصر خریش را به درستی بشناسیم ناگزیریم از تحولات سیاسی - اجتماعی و به‌ویژه سیر تاریخ اندیشه‌ی سیاسی در این دوره، شناخت راستینی کسب کنیم. اینکه که سر درآوردن از موقعیت تاریخ معاصرمان به دغدغه‌ی تحقیقی لطیف هرچه گسترده‌تری از روشنفکران تبدیل شده است توجه به هر اثر محققانه‌ای در زمینه‌ی تاریخ متأخر ایران، و به‌ویژه این اثر، ضروری است.

از این لحاظ باید به طور عام به هر اقدام جسارت آمیزی در این حوزه و به طور خاص با این تلاش ارجمند، چنان برخورد شود که این تلاش ها در چارچوب یک و همان اثر باقی نماند، بلکه به صورت جزئی از جریانی درآید حاصل تعامل فکری روشنفکرانی با چنین دغدغه هایی. ترویج چنین مباحثی در میان توده های هرچه وسیع تر مردم عمدتاً به این بستگی دارد که چنین تفکراتی راه جویانه ای تک روشنفکران به یک جریان فکری در سطح جامعه تبدیل شود. ارزش کیفی این تلاش های تک روشنفکران برای این که به جزئی از این جریان فکری تبدیل شوند نیز شرط مهمی است. معتقدم اثر دکتر طباطبائی در این ویژگی برخوردار است. پس هدف عمده ی بررسی این اثر، پاسخ به همان ضرورت تلاش برای گسترانیدن و تداوم بخشیدن چنین مباحثی است به گونه ای که به سطح یک جریان فکری در جامعه اعتلا یابند.

دکتر طباطبائی در این کتاب اثری از مطالب بسیار گوناگون را به اجمال و یا به تفصیل بررسی کرده است. اتخاذ نگرش تاریخی از سوی مؤلف می تواند توجیهی بر این امر باشد؛ این که ایشان خود را ناگزیر دیده که در تبیین آرای خود در موضوع انحطاط فراگیر ایران از دوره ی دوم حکومت صفویان تا دوره ی نخست حکومت قاجاریان، مجموعه ای از نظرات خود را در ارتباط با کل تاریخ ایران به اجمال هم که شده مطرح کنند. این مسئله دو اجبار اولیه را پیش روی من قرار داد:

الف. در حجم لزوماً محدود یک بررسی میسر نمی شد به همه ی آرای به اجمال یا به تفصیل گفته شده ی نویسنده در ارتباط با کل تاریخ ایران و یا دوره ی تاریخی مورد تحقیق ایشان پردازم. از این رو، فقط با بررسی و سنجش آن دسته از آرای ایشان پرداختم که به نظرم از اهمیت درجه اول برخوردار بود. و تا به نظر خود، تعیین کنم چه موضوعاتی در این کتاب اهمیت درجه اول را دارند از یک سو به ادراک خود از هدفی که دکتر طباطبائی برای کتاب در نظر داشته است متکی بوده ام و از سوی دیگر به دریافت خود از این که بررسی کدام موضوعات اصلی کتاب است که مستقیماً به شناخت راستین از موقعیت جامعه ی معاصرمان یاری می رساند. پس لازم است در همین آغاز

تأکید کنم که چه بسا آرا و مباحثی که بررسی کرده‌ام از منظر خواننده و یا بررسی‌کننده‌ی دیگری، از اهمیت درجه اول برخوردار نباشند.

در عین حال، باید تأکید کنم که چون به بسیاری از آرای گاه مهم کتاب نپرداخته‌ام این امر نباید در حکم موافقت یا مخالفت‌ام با این دسته آرا تلقی شود. به این دسته نظرات مؤلف نپرداخته‌ام فقط به این دلیل که با توجه به دو نکته‌ی فوق برای آن‌ها اهمیت درجه اول قایل نشده‌ام.

ب. دکتر طباطبایی خود را ناگزیر دیده است که برای تبیین آرای خویش در خصوص موضوعات دوره‌ی تاریخی مورد بررسی، مباحث بسیار متنوعی از کل تاریخ ایران را مطرح کند. از آن جا که برای برخی از این مباحث اهمیت درجه‌ی اول قایل بودم و نیز به این خاطر که بررسی نظریات ایشان درباره‌ی دوره‌ی تاریخی مورد بحث حرجه روشن‌تر باشد، خود را ناگزیر دیدم که به برخی از این مباحث به صورتی کلی بپردازم. این امر باعث شده است که بررسی حاضر از حد بررسی صرف آرای مؤلف در زمینه‌ی مباحث خاص یک دوره‌ی محدود تاریخی فراتر رود و برخی مباحث عمومی تاریخ ایران را در برگیرد. از این رو نظرات خود را در مورد برخی علل و اسباب عتب ماندگی ایران و صورت‌های بروز و تداوم آن هر جا ضروری دیدم - مستقیم یا غیرمستقیم - در خلال بررسی مطالب کتاب آورده‌ام. مثلاً، در بررسی آرای دکتر طباطبایی در فصل «اندیشه‌ی سیاسی تاریخ ایران»، این نظر خود را مطرح کرده‌ام که فقدان یا ضعف هویت تاریخی ایرانیان را یکی از علل عتب ماندگی مان می‌دانم.

وظیفه‌ی خود می‌دانم از دقت نظرهای اندیشه‌ورزانه‌ی دوستانم سعید اردبانی تشکر کنم. او در توجه چندباره به بخش‌هایی از این بررسی، پیشنهادی برای توضیح بخشیدن به مطالب و به‌زبانه در مورد ساختار این بررسی ارائه داد که بسیار راه‌گشا بود. همچنین از دقت و صبوری خانم فرحناز رمزی در تایپ و تصحیح چندباره‌ی بخش‌هایی از متن بررسی بسیار سپاسگزارم.

لازم به تذکر است که در این بررسی، همه‌ی تأکیدات در نقل قول‌های برگرفته از کتاب دکتر طباطبایی، از من است.

به این نکته نیز اشاره کنم که دو قسمت از این بررسی، قبلاً در کتاب توسعه شماره های یازده و دوازده چاپ شده که آنها را در این جا پس از بازبینی و اعمال تغییرات لازم آورده ام.

آذرماه ۸۱

www.ketab.ir

پیش‌گفتار

برای بررسی کتاب «دیناچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران» پیش از هر چیز، باید به هدف محوری دکتر طباطبایی در نگارش کتاب توجه داشت و این هدف، و چگونگی تحقق آن را در کتاب، به پرسش گرفت. مؤلف، هدف از نگارش کتاب را ارائه‌ی «طرحی از نظریه انحطاط ایران» (ص ۱۹)؛ آن هم از منظری خاص، اعلام می‌کند. «بررسی امکان تدوین نظریه انحطاط ایران، در این کتاب، تنها از دیدگاه تاریخ اندیشه سیاسی صورت گرفته» است. (ص ۲۲) ایشان بر این باور است که «دوره فروپاشی ایران زمین» - که آن را «دوره گذار» تاریخ ایران نامیده - دوره‌ای است از شکست ایران در چالدران در مرحله‌ی نخست حکومت صفویان؛ تا شکست در جنگ‌های ایران و روس در مرحله‌ی نخست حکومت قاجاریان؛ پس مؤلف در این کتاب می‌کوشد بر تحولات ایران در این دوره‌ی تاریخی از منظر «تاریخ اندیشه در ایران» (ص ۳۴۳) - به طور عام - و تاریخ اندیشه سیاسی - به طور خاص - پرتوی اندازد و تبیینی از علل و اسباب فراگیر شدن انحطاط در ایران این دوره به دست دهد. ایشان، با این استدلال به تدوین کتاب پرداخته‌اند که: «دوره گذار تاریخ ایران، دوره فروپاشی ایران زمین است و برای تبیین علل و اسباب این فروپاشی از طرح نظریه انحطاط ایران گریزی نیست» (ص ۱۶) پس، از آغاز خواننده مستقر است تا با مطالعه‌ی طرحی از نظریه‌ی انحطاط که در کتاب عرضه می‌شود به علل و اسباب فروپاشی و انحطاط ایران در دوره‌ی

۱. با این که نامیدن این دوره‌ی تاریخی با منبرم «دوره گذار» حاصل انتخاب شخصی مؤلف است، نگارنده‌ی این سطور برای به‌کار بردن مفهیم یکسان، از همین نام‌گذاری پیروی می‌کند.

گذار آگاهی باید. این هدف اعلام شده در آغاز کتاب، در فصل پایانی با برخی موضع‌گیری‌های توجیه‌گراانه همراه می‌شود: «نظریه انحطاط ایران، بیشتر از آن‌که نظریه پردازی در حوزه علوم اجتماعی باشد، کوششی در قلمرو اندیشه و بویژه اندیشه سیاسی است.» (ص ۴۵۹)؛ و یا «نقش عامل اندیشه در انحطاط ایران از دیگر عوامل اساسی‌تر است.» (ص ۴۶۱)؛ و یا حتی «تا زمانی که طرحی از زوال اندیشه و نظریه انحطاط تاریخی ایران عرضه نشده باشد، بر توی بر عوامل و اسباب انحطاط ایران به دنبال مرگ شاه عباس افکنده نخواهد شد.» (ص ۴۴۱)

دکتر طباطبایی به منظور تحقق هدف اصلی خود، کتاب را در هفت فصل تنظیم کرده است. از نظر ایشان شش فصل نخستین باید به مثابه‌ی مقدمه‌ای بر واپسین فصل کتاب در نظر گرفته شود (ص ۱۹). واپسین فصل کتاب با عنوان «طرحی از نظریه انحطاط ایران» نیز از دو قسمت تشکیل شده است: قسمت اول (از صفحه‌ی ۴۰۵ تا ۴۶۱) به نوعی تکرار یا خلاصه‌ی مطالبی است که در فصل‌های پیشین به تفصیل درباره‌ی آن مباحث شده است. مؤلف در این قسمت، عمدتاً همان آرای را که در فصل‌های پیش بررسیده است، این بار عمدتاً با استناد به مآخذی دیگر تکرار می‌کند. قسمت دوم (از صفحه‌ی ۴۶۳ تا ۵۲۱) شامل تبیین شش مؤلفه‌ی اصلی طرح نظریه‌ی انحطاط ایران در دوره‌ی گذار است؛ این شش مؤلفه از سوی مؤلف هم‌چون دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران» (ص ۴۶۲) معرفی می‌شود.

با توجه به آن‌چه در مقدمه گفته شد، این هدف اصلی و پیگیرنگی تبیین آن از یک‌سو، و در نظر داشتن آن موضوع‌های اصلی مطرح شده از سوی دکتر طباطبایی که می‌تواند برای شناخت عینی‌تر موقعیت ایران معاصر با اهمیت باشد، چارچوب این بررسی را تعیین می‌کند. با توجه به این دو نکته، دو پرسش اصلی زیر را پیش کشیده و می‌کوشیم تا در بررسی خود به این دو پرسش پاسخ دهیم:

اول: اگر رویکرد و هدف اصلی مؤلف تبیین و تدوین طرحی از نظریه‌ی انحطاط ایران در دوره‌ی گذار، و از منظر تاریخ اندیشه‌ی سیاسی است، آیا

شرحی که مؤلف از تحولات اندیشه‌ی سیاسی در دوره‌ی گذار به دست می‌دهد، با واقعیت این دسته تحولات سازگار است یا خیر؟ (برای چنین تدوینی از تاریخ تحولات اندیشه‌ی سیاسی در این دوره، دکتر طباطبایی ضرورتاً به برخی جنبه‌های نظریه‌ی سیاسی در ایران پیش از دوره‌ی گذار می‌پردازد. پس در پاسخ به پرسش بالا، برخی آرای ایشان در مورد اندیشه و نظریه‌ی سیاسی در ایران پیش از دوره‌ی گذار را نیز بررسی می‌کنیم.)

دوم: آیا علی‌الاصول، از منظر تاریخ اندیشه و یا تاریخ اندیشه‌ی سیاسی، می‌توان به نظریه پردازی درباره‌ی انحطاط فراگیر ایران در پایان دوره‌ی گذار پرداخت و بر این منظر نظریه‌ای را تدوین کرد که شامل علل و اسباب انحطاط ایران در این دوره باشد؟ آیا مؤلف صرفاً از منظر تاریخ اندیشه‌ی سیاسی به طرح مؤلفه‌های خود از نظریه‌ی انحطاط پرداخته است؟ و انحطاط ایران را از چنین منظر نظریه پردازی کرده است؟ هدف عمده‌ی بررسی کتاب دکتر طباطبایی، پاسخ گفتن به این دو پرسش است.

در فصل اول این بررسی، می‌کوشیم به پرسش نخست پاسخ گوئیم. دکتر طباطبایی، عمدتاً در فصل ششم کتاب خود - «اندیشه‌ی سیاسی دوره‌ی گذار» - به تحولات اندیشه‌ی سیاسی در این دوره می‌پردازد. با توجه به هدف اصلی ایشان در تدوین کتاب و نیز با توجه به این که تحولات اندیشه‌ی سیاسی در دوره‌ی گذار در شناخت تحولات تاریخی ایران معاصر بسیار مهم است، آرای مطرح شده در این فصل را به تفصیل بررسی کرده‌ایم. بنابر این فصل دوم کتاب خود - «طرحی از نظریه‌ی دولت در ایران» - نیز نظراتی را ارائه می‌کند که به درک‌شان از اندیشه و نظریه‌ی سیاسی در ایران مربوط است. در یادداشت نخست فصل اول این بررسی، برخی آرای مطرح شده در این فصل را بررسی می‌کنیم. در یادداشت دوم نیز، به تمایز قدرت مطلقه و قدرت خودکامانه می‌پردازیم که به نظر می‌رسد در تحلیل دکتر طباطبایی از اندیشه‌ی سیاسی اهمیت دارد.

در فصل دوم این بررسی نیز تلاش می‌کنیم به پرسش دوم پاسخ گوئیم. در

قسمت نخست این فصل، شش مؤلفه‌ی طرح مؤلف از انحطاط ایران تحلیل می‌شود. سپس، به منظور روشن‌گری در مورد این شش مؤلفه و نیز زمینه‌سازی برای پاسخ به پرسش دوم، دریافت دکتر طباطبایی را از نظرات سفرنامه‌نویسان بیگانه در مورد انحطاط ایران در دوره‌ی گذار می‌آوریم. ایشان این نظرات را در فصل سوم کتاب خود - «ایران زمین در سفرنامه‌های بیگانگان» - مطرح کرده است.

بررسی حاضر دو پیوست نیز دارد که در اولی به نظر دکتر طباطبایی در مورد سلطنت عباس صفوی می‌پردازیم که عمدتاً در فصل نخست کتاب خود - «از چالدران تا ترکمانچای» - طرح کرده است، و در دومی نیز نگاهی داریم به برخی از آرای ایشان در مورد تاریخ‌نویسی دوره‌ی گذار که در فصل پنجم کتاب - «اندیشه سیاسی تاریخ‌نویسان» - ارائه داده است.